

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

رابطه ایمان و عقیده از نظر غزالی و ویتگنشتاین

استاد راهنما

دکتر فروزان راسخی

استاد مشاور

دکتر نرگس نظر نژاد

دانشجو

هاجر قلی زاده بناب

اسفند ۱۳۸۸

تقدیم

مرا این دست‌های گرم ، این جان‌های سرشار از صفا یک عمر پرورده‌است .

دل‌م ، در نور و عطر این محبت‌هارنگین زندگی کرده است .

نگاه مهربانتان ، جانبخش چون خورشید به روی لحظه های من درخشیده‌است و به

جانم نیروی گفتار بخشیده است.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

تشکر و قدردانی

از اساتید گرامی خانم دکتر فروزان راسخی - استاد راهنما - و خانم دکتر نرگس نظر نژاد استاد مشاور

که از علم و فرزانیگی این بزرگواران در مسیر تدوین این رساله بهره برده‌ام ، کمال تشکر و امتنان دارم .

همچنین از خانواده عزیزم که اگر همدلی و سعه صدر ایشان نبود ، امروز در این مرحله نبودم .

چکیده

رساله حاضر به منظور تبیین دیدگاه دو فیلسوف ایمان گرا یعنی غزالی ، متفکر قرن پنجم ه.ق و ویتگنشتاین ، متفکر قرن بیستم میلادی درباره ایمان و عقیده است . غزالی حقیقت ایمان را تصدیق و تسلیم قلبی نسبت به خدا می داند و با عقیده برخی فرقه ها که ایمان را تصدیق منطقی می دانند ، مخالف است . او عقیده را اکتسابی و تقلیدی می داند که به آنچه از طرف خدا به پیامبر نازل شده ، تعلق می گیرد و باید به آنها ایمان آورد . با این حال ایمان قلبی فراتر از عقیده است . ویتگنشتاین هم ایمان را اعتماد به خدا می داند ؛ یک نوع احساس ایمنی مطلق ، که می توان با آن ادعا کرد که هیچ کس به چنین فردی آسیب نمی رساند . این احساس ربطی به عقیده ندارد . او در دوره دوم تفکر خویش (فلسفه دوم) مفاهیمی چون «بازی زبانی» را مطرح می کند ، و زبان دینی را یک بازی زبانی می داند که جملات و مفاهیم دینی در بازی زبانی دینی معنا می یابد ؛ از این رو استدلال های مجرد فلسفی در حوزه دین کاربردی ندارد . بنابراین غزالی و ویتگنشتاین - هر دو - استدلال های عقلی و فلسفی را در حوزه دین قبول ندارند ؛ با این تفاوت که غزالی به دین و شریعت اسلام پایبند است ولی ویتگنشتاین معتقد و عامل به هیچ دینی نیست .

کلیدواژه ها : ایمان ، عقیده ، شریعت ، غزالی ، ویتگنشتاین

مقدمه.....	۱
مسئله پژوهش.....	۳
پرسش های پژوهش.....	۳
فرضیات پژوهش و تبیین آن.....	۴
اهداف پژوهش.....	۴
پیشینه پژوهش.....	۵
فصل اول: پیشینه رابطه ایمان و عقیده.....	۶
۱-۱ مقدمه.....	۷
۲-۱ پیشینه بحث رابطه ایمان و عقیده در میان مسلمین.....	۱۰
۱-۲-۱ خوارج.....	۱۲
۱-۲-۲ مرجئه.....	۱۳
۱-۲-۳ معتزله.....	۱۴
۱-۲-۴ شیعه.....	۱۴
۱-۲-۵ اشاعره.....	۱۵
۳-۱ پیشینه بحث رابطه ایمان و عقیده در غرب.....	۱۷
۱-۳-۱ عصر باستان.....	۱۸
۱-۳-۲ قرون وسطی (عصر اعتقاد).....	۲۰
۱-۲-۳-۱ آگوستین.....	۲۱
۱-۲-۳-۲ آکوئیناس.....	۲۱
۱-۳-۳-۱ آنسلم.....	۲۲
۱-۳-۳-۲ رنسانس و بعد از آن.....	۲۳

- ۲۴ ۱-۳-۳-۱ لوتر
- ۲۴ ۲-۳-۳-۱ کالون
- ۲۵ ۴-۳-۱ روشنگری ومکتب شک در اروپا
- ۲۵ ۱-۴-۳-۱ جان لاک
- ۲۶ ۲-۴-۳-۱ کانت
- ۲۷ ۳-۴-۳-۱ شلایر ماخر
- ۲۷ ۵-۳-۱ نظریه اراده گرا در باب ایمان
- ۲۷ ۱-۵-۳-۱ پاسکال
- ۲۸ ۲-۵-۳-۱ ویلیام جیمز
- ۲۹ ۳-۵-۳-۱ ف . ر . تینت
- ۲۹ ۴-۵-۳-۱ پل تیلیش
- ۳۰ ۵-۵-۳-۱ عقل گرایی حدّ اکثری
- ۳۱ ۶-۵-۳-۱ عقل گرایی انتقادی
- ۳۱ ۶-۳-۱ دوره رمانتیسم
- ۳۲ ۱-۶-۳-۱ کر کگور
- ۳۳ ۲-۶-۳-۱ لودویگ ویتگنشتاین
- ۳۵ فصل دوم: رابطه ایمان و عقیده از نظر غزالی
- ۳۶ ۱-۲ مقدمه
- ۳۶ ۲-۲ تحصیلات اولیه و دلبستگی ها و دغدغه های غزالی
- ۳۷ ۳-۲ غزالی در بغداد و سفر رهایی
- ۴۰ ۴-۲ جویندگان دانش از نظر غزالی
- ۴۰ ۱-۴-۲ متکلمان

۴۰	۲-۴-۲ باطنیه
۴۰	۳-۴-۲ فلاسفه
۴۱	۴-۴-۲ صوفیه
۴۱	۲-۵ فلسفه از نظر غزالی
۴۴	۲-۶ عرفان از نظر غزالی
۴۶	۲-۷ عقیده از نظر غزالی
۴۷	۲-۸ ایمان از نظر غزالی
۵۱	۲-۱-۱ موهبتی بودن ایمان
۵۲	۲-۱-۲ ضعف و شدت ایمان
۵۳	۲-۸-۳ رابطه ایمان و اسلام
۵۵	۲-۹ رابطه ایمان و عقیده
۵۷	فصل سوم: رابطه ایمان و عقیده از نظر ویتگنشتاین
۵۸	۳-۱ مقدمه
۵۸	۳-۲ زندگینامه ویتگنشتاین
۶۰	۳-۳ فلسفه از نظر ویتگنشتاین
۶۳	۳-۳-۱ معنا و نظریه تصویری
۶۵	۳-۳-۱-۱ گزاره های بامعنا
۶۵	۳-۳-۱-۲ گزاره های بیمعنا
۶۵	۳-۳-۱-۳ انواع گزاره های فاقد معنا
۶۷	۳-۳-۲ اشکالی بر نظریه تصویری
۶۹	۳-۴ نگرش منفی و مثبت ویتگنشتاین به دین
۷۲	۳-۵ خدا از نظر ویتگنشتاین

۷۳	۳-۶ رابطه الاهیات و دین
۷۴	۳-۷ امر استعلایی و امور رازآمیز در فلسفه اول ویتگنشتاین
۷۵	۳-۷-۱ ویژگی‌های امر رازآمیز
۷۵	۳-۷-۱-۱ سکوت
۷۵	۳-۷-۱-۲ هنر و عمل
۷۵	۳-۷-۱-۳ هستی امر رازآمیز
۷۵	۳-۷-۱-۴ نگرش دیگر به جهان
۷۵	۳-۷-۱-۵ عجز علم در برابر امر رازآمیز
۷۵	۳-۷-۱-۶ تجربه‌های رازآمیز
۷۵	۳-۷-۲ انواع ارزش مطلق
۷۶	۳-۸ باور از نظر ویتگنشتاین
۸۱	۳-۸-۱ باورهای دینی
۸۱	۳-۸-۱-۱ ویژگی‌های سلبی باور دینی
۸۲	۳-۸-۱-۲ ویژگی‌های ایجابی باورهای دینی
۸۴	۳-۹ ایمان از نظر ویتگنشتاین
۹۴	فصل چهارم: مقایسه و ارزیابی نظر غزالی و ویتگنشتاین در مورد رابطه ایمان و عقیده
۹۵	۴-۱ متعلق ایمان از نظر غزالی
۹۶	۴-۲ متعلق ایمان از نظر ویتگنشتاین
۹۷	۴-۳ ماهیت ایمان از نظر ویتگنشتاین
۹۸	۴-۴ ارتباط ایمان گزاره‌ای و علم
۹۹	۴-۵ ارتباط ایمان گزاره‌ای و یقین
۹۹	۴-۶ منشأ ایمان گزاره‌ای از نظر غزالی

۷-۴	ارتباط ایمان گزاره‌ای و تعقل	۱۰۱
۸-۴	شرایط تحقق و آثار و نتایج ایمان از نظر غزالی	۱۰۰
۹-۴	آثار و نتایج ایمان از نظر ویتگنشتاین	۱۰۰
۱۰-۴	وجه اشتراک نظر غزالی و ویتگنشتاین در مورد رابطه ایمان و عقیده	۱۰۱
۱۱-۴	وجه افتراق نظر غزالی و ویتگنشتاین در مورد رابطه ایمان و عقیده	۱۰۳
	نتایج	۱۰۷
	فهرست منابع	۱۱۲

مقدمه

یکی از مسائلی که در حوزه دین همیشه ذهن انسان را به خود مشغول داشته، مسأله ماهیت ایمان است. ایمان، شروع و اساس دینداری انسان است که در منطق ادیان الهی به عنوان اساس نجات و رستگاری نیز معرفی می‌شود. در حقیقت، ایمان، شروع ارتباط واقعی انسان با خدا می‌باشد و تحقق معنویت در انسان، وابسته به تحقق ایمان است. بنابراین سوال از ماهیت ایمان و دغدغه فهم آن، امری مهم و ضروری می‌باشد. نماید چنان که در علم کلام، مسأله ایمان از ابتدای پیدایش مباحث کلامی، محور بحث متکلمان قرار گرفته و تا امروز نیز این بحث به عنوان یکی از مباحث مهم خودنمایی می‌کند.

متکلمان متقدم و متأخر مسلمان و مسیحی رویکردهای متعدد و متفاوتی درباره ایمان و مسائل مربوط به آن داشته‌اند. برخی ایمان را از سنخ علم و معرفت دانسته‌اند؛ در مقابل، گروهی آن را امری جدا از عقل و دانش خوانده، که در پرتو شریعت تقویت می‌شود. افراد این گروه کسانی بودند که از دین در برابر گروه‌های عقل‌مدار دفاع می‌کردند. آنها عقیده را گزاره‌هایی می‌دانستند که از طرف خداوند آمده‌است و انسان به وسیله ایمان، از روی اختیار نسبت به این گزاره‌ها یقین پیدا می‌کند. پس ایمان و عقیده هر دو چون به گزاره‌های وحی تعلق دارند، با هم ارتباط دارند، هر چند ایمان واقعی برتر از عقیده است.

تلقی گروهی از ایمان نوعی تجربه و اعتماد به خدا است؛ امری کاملاً شخصی و احساسی که هیچ ارتباطی با اصول کلی دینی ندارد. این گرایش که بیشتر در فرهنگ مسیحیت رواج دارد در تعارض با استدلال‌های عقلی است که می‌خواهد ایمان افراد را اثبات کنند.

با توجه به این مطالب، نگارنده در این رساله به صورت مقایسه‌ای نظر دو متفکر مسلمان و مسیحی، غزالی و ویتگنشتاین را - که هر دو از متفکران بنام قلمرو دینی هستند - درباره رابطه ایمان و عقیده مورد بررسی قرار داده است.

در فصل اول به بررسی پیشینه تاریخی رابطه ایمان و عقیده و تحولات نظری آن با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی، در فرهنگ شرق و غرب تا زمان دو متفکر، پرداخته شده است.

در فصل دوم، شرح زندگی، آثار و تفکرات غزالی به ویژه درباره ایمان و عقیده آمده‌است.

فصل سوم نیز به شرح زندگی ، آثار ، فلسفه و تحولات فکری ویتگنشتاین که موجب تمایل او به باور های دینی و فیدئیسیم شد ، و دیدگاه او در مورد ایمان می پردازد.

در فصل چهارم ، دیدگاه این دو متفکر با یکدیگر مقایسه می شود .

مسئله پژوهش و تبیین آن

نظر امام محمد غزالی و ویتگنشتاین در باب ارتباط ایمان و عقیده چیست؟

ایمان و عقیده دو مفهوم دینی مهم اند که باید هر یک به تنهایی تبیین و رابطه آنها با هم سنجیده شود. با توجه به اهمیت این دو متفکر - که دو نظام فکری متفاوت دارند - و تأثیر گذاری شان در جهان اسلام و غرب ، پژوهش حاضر در نظر دارد نظریات آنها را در باب حقیقت ایمان و عقیده ، ارتباط و تفاوت این دو موضوع با یکدیگر بیان کرده، از این طریق شباهت ها و تفاوت های دو متفکر را مورد بررسی قرار دهد.

پرسش های پژوهش (پرسش های فرعی)

۱- رابطه ایمان و عقیده از نظر امام محمد غزالی چیست؟

۲- رابطه ایمان و عقیده از نظر ویتگنشتاین چیست؟

۳- نظر غزالی و ویتگنشتاین در مورد ارتباط ایمان و عقیده چه شباهت ها و تفاوت هایی با یکدیگر

دارد؟

فرضیات پژوهش

۱- از نظر غزالی ایمان موهبتی الهی است که به قلوب بندگان تعلق می گیرد و برتر از عقیده است.

عقیده امری اکتسابی است ولی از آن جا که ایمان و عقیده هر دو متعلق به گزاره های وحی هستند ، در نتیجه با یکدیگر ارتباط دارند .

۲- از نظر ویتگنشتاین ایمان بی نیاز از توجیه عقلانی است و مبتنی بر اعتماد و توکل است،

بنابراین به گزاره وحی تعلق نمی گیرد و از این نظر با عقیده ارتباطی ندارد.

۳- از دیدگاه هر دو متفکر، ایمان را نمی‌توان با استدلال فهمید اگر ایمان، عقل‌زده یا علم‌زده شود کاری از پیش نمی‌برد بلکه باید حدود و حوزه هر یک از این دو را به طور کامل شناخت. هر دو معتقدند که عقیده به گزاره وحی تعلق می‌گیرد.

غزالی معتقد است که رابطه ایمان و عقیده در سایه عمل به شریعت محکم‌تر می‌شود ولی ویتگنشتاین ایمان را احساس ایمنی مطلق توصیف می‌کند که در سایه توکل بر خدا حاصل می‌شود و ارتباطی با عقیده ندارد.

اهداف پژوهش و ضرورت آن

ایمان و عقیده دینی و ارتباط این دو موضوع با یکدیگر، یکی از مسائلی است که در حوزه پژوهش‌های دینی ذهن متفکر دینی را به خود مشغول می‌کند. ایمان، اساس دینداری و شروع ارتباط واقعی انسان با خداوند است و عقیده نیز بخش مهمی از تعالیم دینی را تشکیل می‌دهد. از این رو لازم است رابطه این دو مفهوم با یکدیگر تبیین شود. اهمیت غزالی و ویتگنشتاین - دو متفکر بزرگ شرق و غرب - در این خصوص سبب گزینش آرای آنها به عنوان موضوع حاضر شده‌است. این پژوهش می‌تواند با ارائه تبیین واضحی از دیدگاه این دو متفکر، شناخت دقیق‌تری را از بحث ایمان و عقیده برای علاقه‌مندان ایجاد کند.

پیشینه پژوهش

هرچند در مورد این دو شخصیت پژوهش‌های شایسته‌ای صورت گرفته، اما بررسی مقایسه‌ای میان نظریات آنها در این مورد انجام نشده‌است. در این جا به پاره‌ای از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

۱- حقیقت، لاله (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی آراء غزالی و آکوئیناس در باب ایمان، استاد راهنما: قاسم کاکایی، پایان نامه دکتری، دانشگاه قم. در این رساله ایمان از نظر آکوئیناس که رویکرد عقل‌گرایانه دارد و غزالی که مقابل نظر اوست بررسی شده است.

۲- مهدوی، محمد حسین (۱۳۷۹). ارتباط دین و فلسفه از نظر فخر رازی و ویتگنشتاین، استاد راهنما: بیوک عزیزاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع). در این رساله مسأله بازی‌های زبانی و نظر ویتگنشتاین که گفتار دینی هم یک بازی زبانی است، بیان شده، همچنین به نظر فخر رازی

اشاره شده است که ابتدا بر کارکرد عقل در اثبات حقانیت دین تاکید می‌ورزد ولی در آخر با توجه به گرایش - های عرفانی، ایمان‌گرایی خردپیشه را انتخاب می‌کند .

فصل اول: پیشینه رابطه ایمان و عقیده

مقدمه

مفهوم ایمان و مباحث مرتبط با آن از بحث‌های دیرینه‌ای است که همواره مورد توجه اندیشمندان به ویژه اندیشمندان دین مدار بوده و هست. همه ادیان توحیدی (اسلام، مسیحیت و یهود) بر اهمیت این موضوع تأکید دارند و معتقدند که تنها مؤمنان اهل رستگاری هستند. در تمام کتب مقدس از دینداران خواسته شده برای بهره بیشتر از ثمرات دین، ایمان خود را افزایش دهند.

در طول تاریخ جوامع اسلامی و مسیحی با تحولات بسیاری در زمینه مسایل اجتماعی و سیاسی رو به رو شده‌اند. این تحولات بر حوزه دین نیز تأثیر گذاشته به گونه‌ای که نظر اندیشمندان دینی در مورد بسیاری از مسائل همچون ایمان و مباحث مربوط به آن را تحت الشعاع قرار داده‌است؛ البته اغلب رویکردها به این مسأله صورت افراط یا تفریط به خود گرفته‌است. برخی از مسائل مورد بحث در این زمینه عبارت است از: رابطه ایمان و فلسفه، رابطه ایمان و عقل، رابطه ایمان و عمل و

رابطه عقل و ایمان در اندیشه‌های فلسفی و کلامی از دیر باز مورد بحث بوده‌است. مسأله اصلی آن است که آیا عقل در اعتبار نظام‌های دینی نقش دارد یا این نقش بر عهده ایمان است؟ آیا کسی که ایمان دارد باید برای درستی ایمانش برهان داشته باشد؟

عقل‌گرایان معتقدند برای این که نظام اعتقادات استوار باشد باید دلیلی برای صدق آنها بیاورند. در فرهنگ یونان از زمان سقراط تلاش می‌شد نشان دهند که دین با اصول عقلانی تعارضی ندارد. در مقابل ایمان‌گرایان، روایتی دیگر از نسبت میان عقل و ایمان ارائه می‌دهند که بنابر آن، باور دینی بر اساس ایمان شکل می‌گیرد، نه عقل و استدلال.^۱

پترسون معتقد است: «ایمان‌گرایی، دیدگاهی است که نظام‌های اعتقادات دینی را مورد ارزیابی و سنجش عقلانی

نمی‌داند.»^۲

^۱- پاپکین، ریچارد، کلیات فلسفه، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، چاپ بیست سوم، حکمت، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱
^۲- پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد، ترجمه احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، چاپ دوم، طرح نو، ۱۳۷۷، ص

در قرن حاضر که به قرن بازگشت به ایمان مشهور شده، تأثیر نقش ایمان در مسایل اجتماعی و فرهنگی مشهود است. فیلسوفان دینی امروزه در مورد ایمان و چالش‌های مربوط به آن، مسایل جدیدی مطرح کرده‌اند. یکی از این مسایل رابطه ایمان و عقیده می‌باشد که تا کنون با واکنش‌های متفاوتی رو به رو شده است. بین فرهنگ و نگرش اسلام و مسیحیت در مورد ایمان و متعلق آن (گزاره‌ای یا غیر گزاره‌ای بودن) تفاوت وجود دارد. در اینجا سؤالاتی مطرح می‌شود از قبیل این که: آیا ایمان همان عقیده است؟ آیا ایمان، علم به گزاره‌ها است؟ آیا ایمان یک تجربه شخصی است یا مؤمن به نظامی از اعتقادات باور دارد؟ آیا ایمان فاقد عقیده است؟

برای دست یافتن به پاسخ این سؤالات ابتدا تعاریفی از ایمان و عقیده که مشترک میان فریق مختلف است ارائه می‌کنیم، سپس نگاهی کوتاه به تاریخچه این موضوع در دنیای شرق و غرب می‌اندازیم. ایمان تصدیق قلبی است که به اراده و اختیار انسان و به دنبال علم و باور تحقق می‌یابد و عمل خارجی از لوازم آن است نه جزء ماهیت آن.^۱

عقیده^۲ را می‌توان مترادف باور دانست و باور داشتن را می‌توان معادل اعتقاد ورزیدن به کار برد. اغلب فیلسوفانی که به ماهیت عقیده پرداخته‌اند، آن را یکی از حالات درونی ذهنی تلقی کرده‌اند که می‌توان از طریق درون‌نگری از وجود آن مطلع شد. این حالت ذهنی، حالت مرکبی است که دارای دو مولفه است یک مولفه آن حاکی از قصد و اراده است یعنی هر باوری غرض خاصی را می‌نمایاند. مولفه دیگر علی است، به این معنا باورها علت رفتارهایی هستند که از ما صادر می‌شوند و به مثابه نقشه‌ای عمل می‌کنند که هدایت ما را بر عهده دارند. باور از مفاهیم ذوالاضافه است و متعلق می‌خواهد، متعلق باور قضیه است، یعنی این که هر گاه قضیه‌ای مانند «الف ب است.» بر ما عرضه شود در اولین نظر سه نگرش به محتوای آن متصور است. قبول، رد، تعلیق (نه قبول و نه رد).^۳

۱- صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، چاپ دوم، معارف، قم، ۱۳۸۳، ص ۲۸

۲- Belief

۳- نظر نژاد، نرگس، آیا ایمان به خدا عقلانی است؟، دانشگاه الزهرا، تهران، ۱۳۸۲، صص ۴-۵

از جمله مطالبی که در باب عقیده حائز اهمیت است، تفاوت «اعتقاد به^۱» و «اعتقاد به این که^۲» است. و این تفاوت حاکی از آن است که باور و اعتقاد تنها ظهور گزاره‌ای ندارد، بلکه گاه باور به جای این که نقش معرفتی داشته باشد، نشان دهنده اعتماد ما به یک فرد و یا یک چیز است. توضیح این که ما گاه کلمه اعتقاد و یا باور را به کار می‌بریم و مرادمان این است که شخص به قضیه‌ای اعتقاد دارد، یعنی نسبت به یک قضیه نظر موافقی دارد و صدق و مطابقت آن را با واقع، تصدیق می‌کند، اما همه باورها از این سنخ نیستند، بلکه گاهی به فردی یا چیزی، اعتماد داشتن به آن فرد و یا چیز است نه اعتقاد به قضیه‌ای یا تصدیق قضیه‌ای که حاوی خبر درباره آن است. تفاوت میان «اعتقاد به» و «اعتقاد به این که» وقتی در مورد خدا مطرح می‌شود ظهور بیشتری پیدا می‌کند. گاهی مراد از اعتقاد به خدا این است که خدا وجود دارد، در این حالت ما تنها با یک قضیه سرو کار داریم و ای بسا تصدیق این قضیه در زندگی عملی ما تأثیر زیادی نداشته باشد، اما گاهی اعتقاد به خدا را به معنای اعتماد و توکل به کار می‌بریم که در این حالت، اعتقاد و باور مورد بحث سراسر حیات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و سبب می‌شود زندگی خود را به خدا تسلیم کنیم و همواره اعمال خود را بر اساس آنچه مطلوب اوست تنظیم کنیم، در این صورت باور و اعتقاد با ایمان مترادف است.^۳ بنا براین همانطور که گفته شد ایمان امری قلبی و دلی است، اما عقیده امری نظری و گزاره‌ای است که می‌خواهد خبری را بیان کند. عقیده را نمی‌توان بر دل تحمیل کرد.

۱-۱ پیشینه بحث رابطه ایمان و عقیده در اسلام

قرآن اولین و مهم‌ترین خاستگاه بحث‌های کلامی و اعتقادی از جمله ایمان است. هرچند حوادث و رویدادهای بسیاری در این جریان تأثیر داشتند، اما قرآن همیشه نقش اصلی و کلیدی داشته است. در قرآن توضیح مستقیمی درباره حقیقت ایمان نیامده است و متکلمان بر حسب شرایط و رویدادهای تاریخی دیدگاه‌های متفاوتی در این باره ارائه کرده‌اند. آنها «ایمان» را از چهار زاویه بررسی کرده‌اند:

۱. فاعل ایمان، اینکه مؤمن کیست؟ خوارج بیشتر بر این مساله تأکید داشتند.

^۱-Belief in

^۲-Belief that

^۳-همان، ص ۸

۲. متعلق ایمان ، اینکه مؤمن به چه چیز باید ایمان داشته باشد؟ اغلب فرقه‌ها متعلق ایمان را خدا و پیامبر معرفی کرده‌اند .

سوال مهم دیگری که در این زمینه مطرح می شود، این است که آیا متعلق ایمان یک گزاره است یا یک شیء خارجی؟ اگر ایمان به گزاره تعلق بگیرد ، از سنخ معرفت است و اگر ایمان به شیء عینی تعلق بگیرد ، از مقوله حالت روحی و نفسانی است.

در قرآن متعلق ایمان امور وحی شده است، چنان که خداوند می فرماید:
و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است ، ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند.^۱

وحی و قرآن به صورت گزاره‌اند، که باید به آنها ایمان آورد تا به معرفت حقیقی رسید . در برخی آیات قرآن ، هم متعلقات ایمان اموری مثل خدا، پیامبر خدا ، فرشتگان ، کتب^۲ و غیب^۳ و ... هستند ، و ایمان به امور غیبی حالت روانی است که موجب اعتماد و توکل و اطمینان می شود .

بنابراین چیزی که ایمان به آن تعلق دارد ماهیت ایمان را می سازد . با در نظر گرفتن متعلقات ایمان در قرآن دو نوع ایمان مشخص می شود : الف - ایمان گزاره‌ای، یعنی اعتقاد به گزاره‌هایی که از طرف خداوند به صورت وحی بر پیامبر نازل شده است. ب - ایمان غیر گزاره ای ، یعنی نوعی حالت روانی مانند توکل و اعتماد به امور غیبی.

^۱ بقره ۴/ . وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ .

^۲ - بقره ۲۸۵/ . آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ . (پیامبر بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ، ایمان آورده است ، مومنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگان ایمان آورده‌اند و گفتند : «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم . و گفتند : شنیدیم و گردن نهادیم .)

^۳ بقره ۳۱/ . الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ . (آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می کنند).